

در فراندم "نه" به جمهوری اسلامی مردم پیروز شدند . گفتگو بر سر آینده نقش کلیدی یافته است.

رضا اکرمی

پس از ماهها کشاکش در صفوف جناحهای حکومت و بحث و جدل بر سر تعیین ترکیب مجلس آینده ، سرانجام اول اسفند ماه ، انتخابات فرمایشی مجلس هفتم در جمهوری اسلامی برگزار گردید.

بنا به برآورد تخمینی سایت انتر نتی رویداد که منعکس کننده دیدگاههای حزب مشارکت می باشد و احتمالاً اطلاعات خود را از منابع خبری وزارت کشور می گیرد میزان " مشارکت " مردم در پای "صندوقهای رأی " بدین قرار ذکر شده است.

میزان شرکت بین ۴۵ تا ۴۷ درصد.

در تهران حدود ۲۰ درصد .

در شهرهای بزرگی چون اصفهان و تبریز کمتر از ۳۰ درصد.

آراء باطله ۱۵ درصد.

هر گاه از رأی خریدنها، تقلبات ، تهدیدات ، تطمیعها ، معذوریتهای اداری و شغلی ، بویژه در شهرهای کوچک بگذریم . مطابق برآورد فوق ، تنها ۳۰ درصد از حاضرین شرایط به کاندیدای مورد نظر خود رأی داده اند.

البته این واقعیت مانع خود فریبی علی خامنه ای رهبر رژیم اسلامی نشده است که طی پیامی سراسر تناقض آمیز از "حماسه اسلامی و ملی " یاد نکند و از اعوان و انصاری که این حماسه را بوجود آورده اند ، بویژه "رسانه ملی" تشکر ننماید . وی در پیام خود با ذکر این مطلب که "انتخابات اول اسفند در زیر بمباران تبلیغاتی دشمنان اهمیتی فراتر از انتخابات سالهای دفاع مقدس در زیر بمباران شهرها دارد" بلا فاصله لازم می بیند تا به نگرانی ایی پاسخ گوید که اساس مشروعیت چنین انتخاباتی را مورد تردید قرار داده است . در همانجا می گوید " انتخابات در محیطی کاملاً آزاد و به شیوه کاملاً سالم و قانونی انجام گرفت و نتیجه آن هر چه باشد در نهایت اعتبار است و قضاوت آمریکایهای مستکبر و

یاوه گو در باب این انتخابات از نظر مردم و مسئولان کشور پیشیزی ارزش ندارد."

اما بر کسی پوشیده نیست که بیان همین نکته ، خود به تنهایی کفایت تا بتوان بر دشواری اثبات مشروعیت این انتخابات ، و در پرتو آن ، کل نظام تحت رهبری وی پی برد.

انتخابات هفتمین دوره مجلس البته صحنه آزمایش جناح موصوم به اصلاح طلب رژیم نیز بود. این جناح چنانکه انتظار می رفت نه توانست سیاست روشن و بسیج کننده ای در پیش بگیرد و نه از انشعاب در درون خویش پیشگیری کند.

تا جائیکه به میزان مشارکت مردم در انتخابات مربوط می شود به احتمال قوی اگر چهره های شناخته شده تر این جناح هم در لیست کاندیداتوری باقی می ماندند تغییری حاصل نمی شد ، چنانکه آراء ریخته شده به نام آنها از جمله مهدی کروبی نشان می دهد .

اما نکته مهم در این باره درسی است که آنها می توانستند و یا می توانند از این گذر بگیرند که چنانکه مصاحبه دو تن از مسئولین " حزب مشارکت ایران اسلامی " بعد از ظهر شنبه نشان می دهد . باز قرار است در مورد اینها نیز در بر همان پاشنه به چرخد.

به یاد داریم که پاشنه آشیل این جناح از حکومت اسلامی ، برای تمامی دوران پس از دوم خرداد و بویژه از فردای کسب اکثریت کرسی های مجلس ششم پیشبرد اهداف و شعارهای وعده داده شده به مردم در زمینه اصلاحات سیاسی ، برقراری حکومت قانون و تناقض آشکار این اهداف با قانونیست که تمام اختیارات را در ید و قدرت ولی فقیه قرار داده است که بر فراز هر قانونیست و حاکمیت آن مطلق است . اینان به اعتبار همین قانون و قدرت از صحنه رقابت جناحی نیز حذف شدند اما آقایان مصاحبه کننده باز هم دنبال معجزه از همین امامزاده اند و آقای علی شکوری راد معاون دبیر کل حزب مشارکت ضمن وعده مصاحبه غریب الوقوع آقای محمد رضا خاتمی دبیر کل ، که قرار است به زودی انجام شود ، خود خطوط اساسی سیاست آینده این جریان را با ذکر دو گزینه که می تواند در پیش رو باشد چنین بیان می دارد. "گزینه ظرفیت قانون اساسی برای پیشبرد و اعمال دموکراسی در کشور و یکی ظرفیت اصلاح قانون اساسی" به گفته وی " در حال حاضر گزینه مطلوب گزینه اول است ، بنا بر این باید بر ظرفیت های قانون اساسی امیدوار باشیم همچنانکه در زمان حیات حضرت امام (ره) رضایت مندی مردم ، احساس آزادی در جامعه و محترم بودن قانون اساسی در جامعه بر اساس همین قانون وجود داشت " و اگر گزینه جایگزین این امر در دستور قرار گیرد نتیجه آن مشخص نخواهد بود."

البته این انتخاب و گزینه نه امر جدیدیست و نه از سر تصادف . برای نیروئی که خود را به همان اندازه پاسدار و وامدار ارزشهای "مورد احترام امام " میدانند که جناح رقیب . و حتی در مواردی کاتولیک تر از پاپ ، بیان چنین مواضعی دور از انتظار نیست .

اما نکته گرهي از فردای این انتخابات ، مواضع آن دسته از احزاب و سازمانهای اپوزیسیون رژیم است که به نحوی از انحاء در کارزار پر تحول پس از دوم خرداد از ایفای نقشی فعال و مستقل باز ماندند. صحنه به شدت ضد دمکراتیک این انتخابات و پیش بینی رویگردانی کسترده مردم از صندوقهای رأی و لو در تاکتیک هم شده همسوئی کسترده ترین بخش اپوزیسیون رژیم را در عمل به وجود آورد . آیا چنین همسوئی ایی میتواند منشأ گفتگوهای ضرور، جهت دستیابی به مشی ای کمابیش همگون در مقابل حاکمیت و صفتبندیهای جدید درون آن و تقویت مبارزات آزادیخواهانه مردم گردد ؟ موضوعیست قابل تعمق و می بایست برای آن تلاش کرد.

اوضاع جهانی ، علیرغم تمام پیچیدگیها و بغرنجیهایش به گونه ایست که هر گاه مردم و اپوزیسیون رژیم با حرف مشخصی به صحنه بیایند به احتمال زیاد در راستای این تمایل جهت گیری خواهد کرد .

مردم ایران در کثرت میلیونی و در پای صندوقهای رأی ، حتی بر مبنای آمار رسمی ، بر مشروعیت مورد ادعای رژیم مهر پایان زدند . آنچه امروز می ماند نه بیان نفی گونه رژیمی است که به بیان برخی رسانه های بین المللی ، مردم در اول اسفند ماه به تشیع جنازه آن رفتند ، بلکه تدوین و توافق عمومی بر اهداف و شعارهاییست که می بایست به استقرار نظام جایگزین منجر گردد.

کمک های مالی رسیده:

هواداران سازمان در استرالیا ۲۵۰ یورو
هواداران سازمان در سوئیس ۵۰۰ فرانک سوئیس
هواداران سازمان در نروژ ۱۶۰۰ کرون نروژ
کمک مالی ناهید ۲۴۶ یورو

**با کمک های مالی خود ،
ما را در انجا ،
وظایفمان یاری (سانید)**